

ریشه‌های فرهنگی بحران‌های مقدونیه

ارتدوکس، اسلام بیشترین پیرو را در این سرزمین دارد. البته از اقلیت‌های کاتولیک و پروتستان و یهودی نیز عده کمی در مقدونیه هستند. کلیسای ارتدوکس مقدونیه و مشیخت اسلامی از نهادهای نمادین دینی در این کشور هستند. بنابراین دست‌کم از منظر جامعه‌شناسی ماکس وبر، نباید در مقدونیه انتظار «پروتستان‌تیزم و روح سرمایه‌داری» را داشت چه سرزمین ارتدوکس‌ها و مسلمانان در مقدونیه بیشتر منطقه‌ای کشاورزی و دامپروری است و حتی در مقایسه با دیگر جمهوری‌های یوگسلاوی سابق، کم‌تر صنعتی است.

آسیب‌پذیری‌های فرهنگی مقدونیه را که ریشه تنش‌های سیاسی و اجتماعی در این کشور است، می‌توان حول محورهای قومی، دینی و بویژه در راستای هویت‌یابی جدید در عصر فرآیند جهانی شدن و در زمان رستن از

جمهوری مقدونیه با مساحت ۲۵/۷۱۳ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر دو میلیون نفر در سال ۱۹۹۱ از اتحادیه یوگسلاوی سابق مستقل شد. این کشور در سراسر مرزهای ۷۵۰ کیلومتری خود با کشورهای یوگسلاوی (در منطقه کوزوو و با سرزمین اصلی صربستان)، یونان، آلبانی و بلغارستان همسایه است. از نظر ترکیب نژادی جمعیت، اکثر ساکنان این سرزمین کوچک را مقدونی‌ها تشکیل می‌دهند و پس از آنان اقلیت‌های نژادی دیگر از جمله آلبانیایی‌ها، ترک‌ها، رومی‌ها، والاش‌ها، بوشنیاک‌ها، کولی‌ها، تربش‌ها و صرب‌ها در این سرزمین سکونت دارند.

برخلاف قسمت‌های غربی و مرکزی اروپا که مسیحیان عمدتاً از کلیساهای کاتولیک یا پروتستان تبعیت می‌کنند، بیشتر ساکنان سرزمین مقدونیه تابع کلیسای ارتدوکس این کشور هستند و پس از

همسایگان خود بسیار نیازمند است و البته هر یک از این همسایگان با ادعاهای تاریخی خود، یا خود را قیم مقدونیه می‌دانند و یا این که مانند آلبانی در صدد جبران و تلافی سیطره فرهنگی و سیاسی مقدونی‌ها بر هم نژادهای خود در مقدونیه‌اند.

روابط فرهنگی مقدونیه و یونان از زمان اعلام استقلال مقدونیه همواره از نوعی جو بی‌اعتمادی آکنده بوده است که مخالفت یونان با نام مقدونیه که همنام استان شمالی یونان است و نیز پرچم مقدونیه دلیل آن بوده است و البته متقابلاً مقدونی‌ها نیز همواره به اقلیت مقدونی تبار در یونان به نوعی همدردی و همبستگی احساس می‌کنند. در نتیجه به‌رغم روابط رو به گسترش تجاری و اقتصادی یونان با مقدونیه، یونان هم‌چنان مقدونیه را کانون بحران جدید در بالکان می‌داند و دست‌کم مسئله مقدونیه را عامل زنده شدن ادعای مالکیت ارضی بین بلغارستان، صربستان و یونان به عنوان عامل جنگ‌های بالکان در سال‌های ۱۳-۱۹۱۲ می‌داند. در خصوص روابط مقدونی‌ها و بلغارها هم باید خاطرات تلخ مقدونی‌ها از بلغارها در زمان اشغال مقدونیه در سال ۱۹۴۱ را یادآور شویم، به گونه‌ای که هویت ضد بلغاری مقدونی‌ها، امروزه گه‌گاه به صورت اختلاف بر سر مسائل تاریخی و قوم‌شناسی و حتی تدوین کتاب‌های درسی میان دو کشور رخ می‌نماید، علاوه بر آن حضور اقلیت مقدونی تبار در بلغارستان نیز می‌تواند عامل تقویت بدگمانی متقابل در نظر گرفته شود. هر

محدودیت‌های دوران کمونیسم توجیه کرد. آسیب‌پذیری‌هایی که ادامه حیات و استقلال سرزمین کوچک مقدونیه را در بلندمدت با مخاطرات مهم و بزرگی روبه‌رو می‌کند. مادر این جا سعی می‌کنیم که با ارائه شمایی از معضلات قومی و مذهبی مقدونیه، ریشه‌های کنونی منازعات فرهنگی و در نتیجه اجتماعی و سیاسی آن کشور و احیاناً در آینده را بررسی کنیم.

۱- بحران قومیت در مقدونیه

الف - مقدونی‌ها:

مقدونی‌ها خود در قومیتی با سابقه طولانی تاریخی از زمان قبل از میلاد مسیح و ملیتی مجزا و متمایز می‌شناسند، در حالی که صرب‌ها، مقدونی‌ها را از نژاد اسلاوهای جنوبی می‌دانند و یونانیان نیز، مقدونی‌ها را یونانی می‌خوانند و هیچ‌گاه آنان را ملیت جداگانه ندانسته‌اند و البته بلغارها هم، مقدونی‌ها را از اقوام بلغار می‌شمارند. از تمامی این ادعاها دو موضوع را می‌توان دریافت. نخست سابقه تاریخی مقدونی‌ها و طبیعتاً لایه‌های فرهنگی متعدد این قوم و در نتیجه درک مشکل فرهنگی مقدونی‌ها در هویت‌یابی خود که پس از رستن از جنگال محدودیت‌های دوران کمونیسم و در عصر جهانی شدن با آن مواجه‌اند. و دیگر این که هر یک از این ادعاهای همسایگان مقدونیه می‌تواند مرزهای پرتنش و متشنج فرهنگی و سیاسی را برای کشور کوچکی فراهم کند که دست‌کم به سبب دوری از دریاها و آزاد به

چند صرب‌ها براساس قانون اساسی سال ۱۹۴۵ اتحاد یوگسلاوی، مقدونی‌ها را به عنوان یک ملت مجزا و متمایز از صرب، بلغار و یونانی به رسمیت شناختند، اما تسلط چند ساله صربستان بر مقدونی‌ها خاصه پس از جنگ جهانی دوم باعث شده است که حتی پس از استقلال مقدونیه، صرب‌ها به نحوی خود را قیم مقدونی‌ها بدانند، مضافاً آن که اقلیتی از صرب‌ها که در داخل خاک مقدونیه و در مجاورت مرز مقدونیه با صربستان زندگی می‌کنند، می‌تواند استخوان در زخم مقدونیه از جانب صربستان به شمار رود.

مقدونی‌ها که با سابقه و تجارب تاریخی طولانی، خود را وارث زندگی کهن، دیرپای و قدیمی می‌دانند پس از سال‌ها تحمل تحقیر و قیومیت اقوام مجاور خود و برخی اقوام مهاجم نظیر عثمانی‌ها در فضای فروپاشی کمونیزم و هویت‌یابی دهه آخر قرن بیستم اساس کشوری را پایه ریختند که از یک طرف به‌رغم حضور دیگر اقلیت‌های نژادی در آن سرزمین، نژاد و زبان مقدونی را به عنوان نژاد و زبان اصلی آن کشور در نظر گرفتند و البته از طرف دیگر براساس جبر زمانی به سرزمینی کوچک‌تر از مدعای خود اکتفا کردند. زیرا خود مقدونی‌ها سرزمین کنونی مقدونیه را که حدود ۲۵ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد، بخش کوچکی از سرزمین اصلی مقدونیه می‌دانند که حدود ۶۷ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. در واقع همین نگرانی یونان از توسعه ارضی مقدونی‌ها بود که مقدونیه در اصلاحیه قانون اساسی خود هر گونه ادعای ارضی نسبت به همسایگان خود را رد کرد.

ب: آلبانیایی‌ها:

آلبانیایی‌ها، پس از مقدونی‌ها بزرگ‌ترین اقلیت قومی در مقدونیه‌اند (حدود ۲۵ درصد جمعیت) این قوم خود را از اقوام مؤسس کشور مقدونیه می‌دانند و به همین دلیل از آنچه که «شهروند درجه دوم» و «اقلیت» بودن برطبق قانون اساسی برای آنان در نظر گرفته شده است، بسیار دلگیرند. اولین ادعای آلبانی‌تباران مطرح کردن این موضوع بوده است که جمعیت واقعی آنان از آنچه که مقامات رسمی مقدونیه اعلام کرده‌اند، بیشتر است و بنابراین خواهان حقوق بیشتری از دولت مرکزی خاصه در مناطق آلبانی‌نشین شدند که از جمله آن‌ها می‌توان از تأسیس دانشگاه آلبانی زبان در شهر «تتوو» نام برد که از مراکز پرجمعیت آلبانی‌نشین است.

هر چند برطبق قانون اساسی مقدونیه، آلبانیایی‌ها به نام اقلیت از امتیازهای خوبی به عنوان ساکنان مقدونیه برخوردارند، اما بنابر همان دلایلی که روحیه هویت‌طلبی در فضای جدید پس از فروپاشی یوگسلاوی سابق، مقدونی‌ها را به سمت ناسیونالیسم و زنده شدن تفکر مقدونیه بزرگ در ناخودآگاه آنان رهنمون شد، آلبانیایی تبارهای بالکان را با تندی و تیزی بیشتری به سمت و سوی ناسیونالیسم افراطی و روحیه نظامیگری سوق داده است. ترکان عثمانی در زمان تسلط بر بالکان، اقوام بومی در این سرزمین و از جمله صرب‌ها و مقدونی‌ها را به زور از منطقه می‌رانند و البته در آن زمان آلبانیایی‌ها را که همکاری خوبی با آنان داشتند، جایگزین

اساسی کشور از احزاب سیاسی و روزنامه‌های آلبانی زبان برخوردارند و حتی در جاهایی که اکثریت داشته باشند، می‌توانند در کنار زبان اصلی مقدونی در مدارس زبان آلبانیایی را نیز استفاده کنند اما حقیقت آن است که به رسمیت پذیرفتن زبان آلبانیایی در کنفدراسیون مقدونیه و تأسیس دانشگاه آلبانیایی زبان که به نام خواست نهایی و اصلی آلبانیایی نژادهای افراطی در مقدونیه مطرح شده است، مقدونی‌ها نمی‌توانند بپذیرند.

ج: سایر نژادها:

نژادهای دیگر ساکن در مقدونیه جز صرب‌ها عمدتاً مسلمانند و نه تنها در وضعیتی بهتر از آلبانیایی نژادها که برخی مانند کولی‌ها در حد بسیار پست اجتماعی و معیشتی به سر می‌برند و البته هر چند عده‌ی وابستگان به سایر نژادهای غیرمقدونی و آلبانیایی زیاد نیست اما نابسامانی‌های فرهنگی و اقتصادی همین عده‌اندک می‌تواند برای امنیت کشور کم‌وسعت و کم‌جمعیت مقدونیه مخاطره‌آمیز باشد.

۲- بحران مذهب:

در مقدونیه بحران‌های نژادی و مذهبی انطباق خاصی بر همدیگر دارند. زیرا که تقریباً همه اقلیت‌های نژادی غیرمقدونی مسلمانند (البته عده‌ای تریش‌ها را مقدونی‌های مسلمان می‌دانند و متقابلاً اندکی از آلبانیایی‌ها کاتولیک و یا ارتدوکس‌اند). بنابراین آلبانیایی نژادها، ترک‌ها، کولی‌ها و... عمدتاً مسلمانند.

اقوام رانده شده می‌کردند و البته این طبیعی به نظر می‌رسد که اقوام شکست خورده در زمان تسلط عثمانی‌ها هنوز به ترک‌ها و آلبانیایی‌ها که به آنان کمک می‌کردند، اعتماد نکنند. خاصه آن‌که اکثریت آلبانیایی نژادها به دین ترکان عثمانی نیز گرویدند. بنابراین پس از خاتمه تسلط عثمانی‌ها بر منطقه بالکان، آلبانیایی تبارها خود به خود منزوی و در کشورهای منطقه پراکنده و به صورت اقلیت تفکیک شدند و حتی زمانی هم که به صورت یک کشور مستقل به نام آلبانی درآمدند، سال‌های زیادی از منطقه و جهان منزوی به سر بردند. بنابراین تضادهای تاریخی برای آلبانی تباران بالکان در مقدونیه، کوزوو و یونان که مانند نژاد تفکیک شده و در اقلیت با آنان رفتار شده است به صورت روحیه افراطی ناسیونالیستی و نیز تفکر ایجاد یک آلبانی بزرگ درآمده است. بدین ترتیب که علاوه بر کشور آلبانی بخش‌های عمده‌ای از مقدونیه تا شرق اسکوپیه و ولز و منامسرا سرزمین کوزوو و شمال مونته‌نگرو حتی جنوب یانینا در یونان براساس عقاید ملی‌گرایان آلبانی باید در نقشه آلبانی بزرگ قرار گیرد. میزان اندک تحصیلات اکثریت آلبانی نژادها و وضعیت رقت‌بار اقتصادی و معیشتی ایشان در کوزوو و مقدونیه به سان نمادهای در اقلیت واقع شدن در فضای هویت‌طلبی پس از فروپاشی کمونیزم، آلبانی تباران را به تندروی و به هدف احقاق حقوق از دست رفته خود سوق داده است. البته هر چند آلبانیایی تبارهای مقدونیه براساس قانون

مسلمانان جمعیت خود را حدود ۴۰ درصد از کل جمعیت مقدونیه می‌دانند و طبیعتاً پس از ارتدوکس‌های مقدونی که در اکثریت‌اند، دومین گروه دینی و مذهبی در کشورند. در مقدونیه کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و یهودی‌ها عده کمی هستند. بنابراین پس از دو کشور آلبانی و بوسنی و هرزگوین که اکثریت مسلمان‌اند، مقدونیه سومین کشور اروپایی با اکثریت نسبی مسلمانان است. اکثریت جمعیت کشور تابع کلیسای ارتدوکس مقدونیه‌اند که تا سال ۱۹۶۷ به کلیسای ارتدوکس شرق وابسته بود و پس از آن مستقل شد. البته یادآوری می‌کنیم که کلیسای ارتدوکس صرب از شناسایی کلیسای مستقل مقدونیه خودداری می‌کند و تاکنون نیز با هم مشکل دارند. در مقدونیه کلیسای ارتدوکس به دلیل کثرت پیروان خود نفوذ و قدرت خاصی دارد و هر چند قانون اساسی مقدونیه بر سکولاریسم و آزادی مذهب و تقسیم گروه‌های جامعه تنها براساس نژاد و ملیت و نه مذهب تأکید می‌کند. اما در همان قانون اساسی از کلیسای ارتدوکس به عنوان دین رسمی و از مذاهب دیگر یا عبارت دیگران نام برده شده است. جامعه اسلامی مقدونیه نیز تنها نهاد دینی مسلمانان مقدونیه است که در واقع انشعابی از جامعه بزرگ اسلامی یوگسلاوی سابق به شمار می‌رود. جامعه یادشده تقریباً همه امور دینی و مذهبی مسلمانان مقدونیه را برعهده دارد و تاکنون روابط خوبی هم با دولت داشته است.

بحران‌های فرهنگی،

زمینه‌ساز دخالت ناتو:

در زمان وقوع درگیری و جنگ در ایالت کوزوو، حتی در مقابل چشم ناظران و مداخله‌گران نظامی ناتو میان کوزوو و مقدونیه رفت و آمدهای زیادی می‌شد. به گونه‌ای که حتی عده‌ای از آلبانیایی تبارهای مقدونیه، به منظور کمک به هم‌نژادهای خود در کوزوو شاید با هدف ایجاد آلبانی بزرگ به ارتش آزادی‌بخش ملی (شورشیان آلبانی تبار مقدونیه) در واقع شعبه‌ای از ارتش آزادی‌بخش کوزوو به شمار می‌رود. اما واقعیت آن است که نه آلبانیایی نژادهای مقدونیه به اندازه هم‌نژادهای خود در کوزوو در رنجند و نه مقدونی‌ها به تندخویی و خشونت صرب‌ها عمل می‌کنند، بنابراین احساس همدردی سازمان‌های بین‌المللی، کشورهای اروپایی و حتی کشورهای اسلامی با ارتش آزادی‌بخش ملی مقدونیه بسیار ضعیف‌تر از وضعیت بوسنی و کوزوو است و هر چند که احزاب آلبانی تبار و جامعه اسلامی مقدونیه کمابیش حمایت از NIA را مدنظر داشته‌اند، اما مقدونی‌ها که در معرفی اقدامات آلبانیایی تبارها به عنوان نمونه‌هایی از تروریسم نسبتاً موفق بوده‌اند.

البته هر چند دست‌کم در گستره بین‌المللی در تقبیح جنگ مذهبی در مقدونیه سعی داشته‌اند، اما واقعیت آن است که انطباق نژاد و مذهب در مقدونیه به خودی خود پای مذهب را در درگیری‌های داخلی باز می‌کند چنانچه حمله به مساجد و تخریب اماکن مذهبی

فرآیندهای توسعه و نوسازی در این منطقه دنبال می‌کنند. اما آمریکا با اهداف کم‌تر خیرخواهانه و بیشتر توسعه‌طلبانه در جهت اداره بحران‌های بالکان به دست خود و یا ابزار ناتو گام برمی‌دارد. آمریکایی‌ها با بهانه قرار دادن بحران‌های پنهان مقدونیه و بالکان که عمدتاً صبغه قومی و مذهبی دارد در فکر استقرار همیشگی و گسترش نیروهای خود در منطقه‌اند. در این خصوص آمریکا در نظر دارد که قرارداد مربوط به زمین پایگاه نظامی خود در کوزوو را به مدت ۷۵ سال تنظیم کند. بنابراین آمریکا احتمالاً از طریق دامن زدن به آتش این گونه درگیری‌ها و دست‌کم به بهانه نیروی بالقوه گسترش منازعات، در تقویت سلطه نظامی خود در بالکان می‌کوشد که البته سیاست معروف یک بام و دو هوای آمریکا در برابر مقدونی‌ها و آلبانیایی تبارهای مقدونیه که ظن آتش‌باری معرکه از طرف آمریکا را به مشام مردم منطقه رسانده، بارها مورد اعتراض قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری:

منشاء بیشتر بحران‌های اخیر در مقدونیه، در تشنجات و نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی این کشور ریشه دارد که تحقیر اقلیت‌ها و به دست فراموشی سپرده شدن حقوق آنان از طرف حاکمان در طول تاریخ و به ویژه در دوران سلطه کمونیسم باعث شده است که عقده‌ها و کینه‌های تاریخی قومیت‌ها در بالکان در فضای هویت‌بایی کنونی به سان زخم‌های چرکین سر باز کند و خود را در

مسلمانان و متقابلاً تخریب چند کلیسا در مقدونیه نمونه‌های بارز رنگ مذهبی درگیری‌ها است.

کلیسای ارتدوکس مقدونیه که امتیازات فراوانی از مقامات دولتی مقدونیه گرفته است، حاضر نیست از مواضع خود برحاکمیت مطلق مذهبی دست بکشد و از حقوق برابر با دیگران برخوردار شود، بنابراین طبیعی است که برای حفظ توان نفوذ و اقتدار خود به نفع مسیحیان وارد ماجرا شود.

مشیخت اسلامی نیز معتقد است که آلبانیایی تباران یعنی در واقع مسلمانان در تبعیض آشکاری قرار گرفته‌اند و حتی مدعی است که وضعیت امور دینی مسلمانان در زمان یوگسلاوی سابق بهتر از امروز بوده است. جامعه اسلامی آمار واقعی مسلمانان مقدونیه را حدود نیمی از کل جمعیت کشور می‌داند و لزوم تغییر در قانون اساسی در خصوص مطرح شدن حاکمیت دینی را از طریق احزاب آلبانی تبار اعلام کرده است. در حاشیه درگیری‌های داخلی در مقدونیه، اروپاییان که در اندیشه تقویت و گسترش اتحادیه اروپا و افزایش امنیت در اروپا در دوران پس از جنگ سردند، از یکسو با پیروان افراطی مذاهب و قومیت‌های توسعه نیافته و تحقیر شده در اروپای شرقی و بالکان مواجهند و از سوی دیگر دست‌کم به انگیزه تجارب تلخ بوسنی از تداوم و گسترش منازعات مذهبی در اروپا به کلی پرهیز می‌کنند و بنابراین راه‌های مهار بحران در بلند مدت را با هدف ادغام بالکان در جامعه اروپا از طریق طی کردن

هدایت می‌کند، اما به هر حال در این راستا نمی‌توان نقش قدرت‌های جهانی و از آن جمله آمریکا را به عنوان آتش‌افروز اصلی منطقه که به منظور گسترش و تقویت حوزه نفوذ و اقتدار خود در واقع بحران‌ها را هدایت و مدیریت می‌کند، به دست فراموشی سپرد. کشور کوچک جمهوری مقدونیه به دلیل تنش‌ها و بحران‌های فرهنگی و در نتیجه سیاسی و اقتصادی در میان مدت و بلند مدت با مسائل و مشکلات بزرگی روبه‌رو خواهد بود، چنان‌که نه تنها چشم‌انداز ثبات در این جمهوری کوچک محاط در خشکی روشن نیست، بلکه وضعیت نابسامان اقتصادی مقدونیه و چشم طمع همسایگان به این سرزمین و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بالکان، حیات و بقای آن را در آینده به مخاطره انداخته است.

سید قاسم ذاکری*

شکل کهنه و فرسوده و مذموم منازعات قومی نشان دهد که البته به ناچار بر اثر انطباق قومیت و مذهب درگیری‌های مذهبی هم روی دیگر سکه است. هر چند در جوامع صنعتی شده و توسعه یافته کمی آن طرف‌تر از مقدونیه نیز ممکن است اصطکاک‌ها و رقابت‌هایی بر سر منافع میان پیروان مذاهب گوناگون و حتی قومیت‌های مختلف بروز کند. اما در اروپا و آمریکا در کم‌تر جایی مانند بالکان درگیری‌های قومی به شکل زشت و نامناسب تروریسم و چنگ و خونریزی ظاهر شده است که این صحنه‌ها نشانه‌های کاستی توسعه در منطقه است. هر چند رهایی از محدودیت‌های دوران کمونیزم و فضای بحران هویت در عصر جهانی شدن، و نیز تلاش برای احقاق حقوق از دست رفته اقوام گوناگون در سراسر تاریخ، ایشان را به سمت گرایش‌های محافظه‌کاری ناسیونالیستی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی